

نوروز و همگرایی فرهنگی در حوزه ی تمدنی ایران

بهاره سازمند*

عضو هیأت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۱ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۳/۱۵)

چکیده

نوروز نخستین روز از فروردین ماه و جشن ملی و کهن ایرانیان محسوب می‌شود. این جشن از عصری به عصر دیگر انتقال یافته و تا به امروز همچنان ایرانیان پیوند عمیق خود را با آن حفظ کرده‌اند. نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران باستان و یکی از آیین‌های برجسته در زمینه ی فرهنگ مشترک و عاملی برای همگرایی فرهنگی میان ایران و کشورهای حوزه ی تمدنی ایران محسوب می‌شود. این آیین علاوه بر ایران در دیگر کشورهای حوزه تمدن ایرانی از جمله آسیای مرکزی، قفقاز، کشورهای همجوار ایران در غرب و شرق؛ مثل عراق، ترکیه، کشورهای حوزه ی جنوبی خلیج فارس، پاکستان و حتی مناطق دیگر از جمله بالکان و شبه قاره هم جشن گرفته می‌شود. پرسش اصلی که در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از رویکرد نظری سازه‌انگاری به آن پاسخ داده خواهد شد این است که چگونه می‌توان از آیین نوروز برای گسترش همکاری میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران بهره گرفت؟ فرضیه‌ای که برای پاسخ به سؤال اصلی مطرح می‌شود این است که آیین نوروز می‌تواند مبنای تعاملات همکاری‌جویانه ی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران (به‌خصوص در حوزه ی فرهنگی) قرار گیرد و سبب شکل‌گیری هویت و به دنبال آن منافع مشترک میان آنها شود. زیرا این شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشترک فرهنگی می‌تواند مبنای فرآیند یادگیری اجتماعی پیچیده قرار گیرد و در این فرآیند، کشورهای حوزه ی تمدنی ایران از طریق تعامل همکاری‌جویانه ی فرهنگی با یکدیگر، منافع و ترجیح‌های جدیدی را کسب می‌کنند. برای بررسی این موضوع، مقاله ی حاضر از دو مبحث تشکیل خواهد شد: در مبحث نخست با استفاده از رویکرد نظری سازه‌انگاری و با تأکید بر مفهوم ایران فرهنگی تلاش می‌شود جایگاه آیین نوروز به عنوان بستری برای همگرایی فرهنگی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران تبیین شود و در مبحث دوم هم پیشنهادها و راهکارهایی به منظور گسترش همکاری فرهنگی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران بر اساس ظرفیت آیین نوروز ارائه خواهد شد.

کلید واژه‌ها

نوروز، حوزه ی تمدنی ایران، همگرایی فرهنگی، سازه‌انگاری

*Email: bsazmand@ut.ac.ir

مقدمه

نوروز از جمله آیین‌ها و رسوم کهن ایرانی است که با آغاز سال نو در حوزه ی تمدنی ایران جشن گرفته می‌شده و امروزه نیز در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران در روز اول فروردین / ۲۱ مارس جشن گرفته می‌شود (مصاحب، ۱۳۷۴: ۷). نوروز واژه ی مرکبی است که از دو جزء «نو» و «روز» تشکیل شده است و همان‌گونه که در لغت فارسی افاده ی معنا می‌کند، مفهوم «روز نو» از آن برمی‌خیزد و بر نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی تعلق می‌گیرد. در این روز آنگاه که آفتاب به برج بره انتقال می‌یابد و فصل بهار آغاز می‌شود، روز نویی از سال جدید نیز شروع می‌شود. اصل پهلوی این واژه «نوک روج» یا «نوگ روز» بوده است (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱).

نوروز در زبان عربی به دو صورت ذکر شده است: هم به صورت متداول فارسی آن «نوروز» به کار رفته و هم به گونه ی معرب «نیروز» استعمال شده است. گذشته از این در فرهنگ‌های مختلف فارسی و عربی نیز معانی مختلفی برای نوروز ذکر شده است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود. گفتنی است توضیحاتی نیز که در منابع آورده شده است چندان از یکدیگر متمایز نیست؛ چون هیچ‌کس در اصل نوروز و فهم معنای لغوی آن مشکل یا داعیه ی خاصی نداشته و درصدد ارائه ی مفهوم تازه‌ای هم برنیامده است؛ لذا چنانکه مشهود است لغتنامه ی دهخدا، اقوال متعدّد را در یک جا جمع کرده و با دقتی متین و حوصلتی وزین به بحث درباره ی آنها پرداخته است (ر.ک: شعبانی، ۱۳۷۹: ۲).

نوروز نخستین روز از فروردین ماه و جشن ملی و کهن ایرانیان محسوب می‌شود. این جشن از عصری به عصر دیگر انتقال یافته و تا به امروز همچنان ایرانیان پیوند عمیق خود را با آن حفظ کرده‌اند. نوروز سنتی ایرانی است و اگر سنت‌ها نبود، میان ما و گذشتگانمان که روح جامعه و ملت ما را ساخته‌اند، جدایی می‌افتاد. این جشن در همه ی زمان‌ها در بیشتر کشورهای همجوار و حتی دورتر، حضوری پررنگ داشته است و مصداق بارز گستره ی فرهنگ ایرانی محسوب می‌شود. نوروز به عنوان میراث معنوی و شفاهی ایران اسلامی، سرشار از روح مهرورزی و وحدت‌آفرینی در ذات و اجزای خود است و منبعی غنی برای حفظ هویت فرهنگی به حساب می‌آید.

شاید در میان همه ی روزهای جشن و سروری که در میان ملل عالم برقرار مانده و از گذشته‌های دور تا امروز اعتبار و منزلت اجتماعی خود را حفظ کرده است، نوروز در ردیف مهم‌ترین آنها محسوب شود. چه، صرف‌نظر از اینکه جشنی چندروزه و بزرگ و گسترده و با تمهیدات ویژه

! Nok Roc

! Nog Roz

است، از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی یک کشور و ملت مخصوص نیز که ایران و ایرانیان بوده باشند، فراتر می‌رود و قلمرو انسانی و جغرافیایی وسیعی را دربرمی‌گیرد که به وسعت نیم‌کره‌ی شمالی زمین است و به ملاحظات فراوان، بُعدی گسترده و جهانی یافته است.

یکی از ویژگی‌های متمایز کننده ی فرهنگ ایرانی، به طور خاص و حوزه ی تمدنی ایران، به طور عام، برگزاری مجموعه‌ای از جشن‌ها، یادمان‌ها و مراسمی است که در آغاز سال جدید با عنوان «جشن نوروز» انجام می‌شود. اگرچه در تمامی فرهنگ‌ها به نوعی آغاز سال جدید با آداب و رسوم خاصی پاس داشته می‌شود اما در فرهنگ ایرانی، آغاز سال جدید صرفاً به زمان آغاز دقیق سال محدود نمی‌شود؛ بلکه از مدت‌ها قبل، شروع سال جدید نوید داده شده و سنت‌ها و تشریفات خاصی برای آن برگزار می‌شود که علاوه بر زیبایی، از ویژگی‌های تأثیرگذاری نیز برخوردار است؛ چنان‌که امروزه مراسم جشن نوروز صرفاً به مرزهای جغرافیایی محدود نشده و در کشورها و مناطق بسیاری این جشن- هر چند به صورت محدود- برگزار می‌شود و در حدّ توان، برخی از آیین‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، نوروز از زمان‌های بسیار دور (از زمان پادشاهی ایرانی به نام جمشید) شروع شده است و تا امروز در ایران به عنوان عید ملی ادامه دارد و به تدریج در سرزمین‌هایی که ایرانیان به آن جا مهاجرت می‌کردند نیز مراسم نوروز انجام شده است. نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران باستان و یکی از آیین‌های برجسته در زمینه ی فرهنگ مشترک و عاملی برای همگرایی فرهنگی میان ایران و کشورهای حوزه ی تمدنی ایران محسوب می‌شود. این آیین علاوه بر ایران در دیگر کشورهای حوزه ی تمدن ایرانی، از جمله آسیای مرکزی، قفقاز، کشورهای هم‌جوار ایران در غرب و شرق مثل عراق، ترکیه، کشورهای حوزه ی جنوبی خلیج فارس، پاکستان و حتی مناطق دیگر از جمله بالکان و شبه قاره هم جشن گرفته می‌شود (میخاییل، ۲۰۰۳: ۳). بررسی دقیق آیین نوروز در میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران نشان می‌دهد که برخی از سنت‌ها و آداب و رسوم نوروزی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران مشترک است و در عین حال در برخی آداب و رسوم نوروزی، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی این موضوع است که چگونه می‌توان از آیین نوروز برای گسترش همکاری میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران بهره گرفت. بنابراین در ادامه ی استفاده از رویکرد نظری سازه‌انگاری، روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و با تأکید بر مفهوم ایران فرهنگی، تلاش می‌شود جایگاه آیین نوروز به عنوان بستری برای همگرایی فرهنگی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران تبیین شود و در مبحث سوم هم پیشنهادها و راهکارهایی به منظور گسترش همکاری فرهنگی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران بر اساس ظرفیت آیین نوروز ارائه خواهد شد.

۱- ایران فرهنگی؛ بستری مناسب برای شکل‌گیری هویت مشترک

ایران فرهنگی، همواره به‌عنوان یکی از حوزه‌های اصلی فرهنگی-تمدنی در جغرافیای هویتی جهان مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان بوده است. به‌رغم تحولات تاریخی و فراز و نشیب‌هایی که پدیدار شده است، همچنان شاهد غنای روزافزون آثار و نوشته‌هایی هستیم که پیرامون ایران فرهنگی به رشته‌ی تحریر در می‌آید. ایران فرهنگی مجموعه‌ای از ملت‌ها را دربر می‌گیرد که فرهنگ مشترکی دارند و به‌رغم تفاوت‌ها و مرزبندی‌های سیاسی جداکننده‌ی ملت‌ها، شیوه‌ی زندگی و نظام ارزشی کم‌وبیش یکسانی آنها را به یکدیگر پیوند می‌زند. این اشتراک فرهنگی و نظام ارزشی یکسان، با شکل دادن روح جمعی، منجر به بروز هویتی جمعی در میان ملت‌های منطقه شده است. هویتی که عامل بروز احساس یگانگی در بین آنها و وجه تمایزشان با دیگران شناخته می‌شود. ایران فرهنگی، از حیث مفهومی، منعکس‌کننده‌ی تأثیر و تبادلات هویتی - تمدنی ایرانی در کشورهای منطقه در امتداد یکدیگر و امتزاج موارث فرهنگی و تمدنی آنها در یک پیکره‌ی واحد است. چارچوب فرهنگی - تمدنی مشترکی که به واسطه‌ی عناصر و مؤلفه‌های مشترک زبانی، فرهنگی و اجتماعی پدید آمده است، حاصل تجربه‌ی تاریخی کلانی است که معرفت و هویت را به هم پیوند داده و «خودآگاهی تمدنی» را به بار آورده است. ایران فرهنگی به جغرافیایی اشاره دارد که در آن فرهنگ و تمدنی که به‌عنوان فرهنگ و تمدن ایرانی شناخته می‌شود، جریان دارد. در برخی از ادبیات، این جغرافیا با عنوان حوزه‌ی تمدن ایرانی معرفی شده است. در این تعریف، همه‌ی مردم و قومیت‌های مختلف این حوزه متعلق به یک تمدن بزرگ هستند که عناصری چون تاریخ، فرهنگ مشترک، اشکال پایدار نحوه‌ی زیست، و جهان اسطوره‌ای مشترک، آنها را به هم پیوند زده و مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای را شکل داده است. در معنای محدود، این جغرافیا سرزمین‌هایی را دربر می‌گیرد که اکثریت مردم آن به زبان فارسی صحبت می‌کنند و شامل کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان می‌شود؛ اما در معنای وسیع، ایران فرهنگی محدوده‌ای را دربر می‌گیرد که در قرون گذشته، امپراتوری بزرگ ایران در آن مستقر بود. این محدوده‌ی فلات ایران در آسیای غربی، ایران کنونی، افغانستان، سرزمین‌های آسیای مرکزی، منطقه‌ی قفقاز، منطقه‌ی بین‌النهرین و سواحل جنوبی خلیج فارس و بخش وسیعی از شبه‌قاره‌ی هند را دربر می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۸).

حوزه‌ی ایران فرهنگی، آینه‌ی تمام‌نمای «امتزاج افق‌هایی» است که در یک فضای فرهنگی- هویتی مشترک می‌اندیشند. از این‌رو، شاهد آن هستیم که در حوزه‌ها و شقوق مختلف، زمینه‌های

قابل اجماع فراوانی وجود دارد که براساس آن می‌توان هویتی مشترک و اصیل را ترسیم نمود. جغرافیای فرهنگی ایران بسیار گسترده‌تر و فراتر از مرزبندی‌های جغرافیایی و رسمی کنونی است و شعاع بسیار وسیعی را دربرمی‌گیرد. طی قرن‌های متمادی، بخش‌های وسیعی از آسیای صغیر تا بین‌النهرین، هند و آسیای میانه، تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایران زمین بوده‌اند و سیطره ی تمدنی ایران هنوز هم می‌تواند در بخش‌های وسیعی از جهان، ظرفیت قابل توجهی را در پیشبرد اهداف نظام جمهوری اسلامی و دیپلماسی عمومی و فرهنگی آن فراهم آورد. وجود حکومت‌های قدرتمند در تاریخ ایران و لشکرکشی‌هایی که توسط این حکومت‌ها برای گسترش مرزها و محدوده‌های جغرافیایی صورت گرفتند، زمینه ی تسلط فرهنگ ایرانی در مناطق تصرف شده را فراهم ساختند. آثار سیطره و حاکمیت فرهنگ ایرانی را می‌توان در زبان، تاریخ، ادبیات، آئین‌ها و جشن‌های مردمان سرزمین‌های تصرف شده، مشاهده نمود. از این‌روست که می‌توان ادعا نمود گستره ی فرهنگی ایران از آسیای میانه تا قفقاز در شمال، پاکستان، افغانستان و چین در شرق، عراق، ترکیه و سوریه در غرب و منطقه ی خلیج فارس و شبه قاره ی هند را در جنوب دربرمی‌گیرد (نظری، ۱۳۹۰: ۲۸).

به عبارت دیگر، ایران فرهنگی حوزه‌ای وسیع با کشورهای مختلف است. در این حوزه، نظام‌های سیاسی دارای جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متعارض و متضاد با یکدیگر، و نخبگان فکری و سیاسی دارای گرایش‌های مختلف در کنار هم حضور دارند. جهت‌گیری‌های کاملاً مذهبی تا لائیک، غرب‌گرا تا متمایل به شرق و حتی کمونیسم شکست‌خورده، و ملی‌گرا تا جهان‌گرا را دربر می‌گیرد. از نظر اقتصادی، بازار وسیع و گسترده‌ای در اختیار ملت‌های منطقه قرار دارد، اما توسعه‌نیافتگی، ویژگی اقتصادهای منطقه است. این ویژگی و ضعف ناشی از آن باعث شده است تا غیرمکمل و وابسته به خارج بودن از منطقه، ویژگی بارز اقتصاد کشورهای حوزه ی ایران فرهنگی باشد. از نظر گروه‌های انسانی، تنوع در این حوزه وجود دارد. اقوام مختلفی در این منطقه زندگی می‌کنند. از لحاظ مذهبی نیز این منطقه گروه‌های مذهبی مختلفی را در خود جای داده است. در این حوزه، مسلمان و مسیحی، شیعه‌مذهب و اهل تسنن، در همسایگی هم زندگی می‌کنند. تنوع قومی و مذهبی یکی از ریشه‌های تنش در این مناطق است؛ چنان‌که بعد از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، این عامل به‌عنوان یکی از عوامل خشونت و درگیری، هم در داخل جمهوری‌ها و هم بین جمهوری‌ها، شناخته شده است (نظری، ۱۳۹۰: ۲۸). باوجود این تنوع آنچه مردم این حوزه را به یکدیگر پیوند می‌زند، فرهنگ مشترک است. وجود اشتراکات فرهنگی در حوزه ی تمدنی ایران از یک طرف و اهمیت یافتن نقش و جایگاه فرهنگ در تعاملات میان ملت‌ها در دو دهه ی اخیر از طرف دیگر، می‌توانند ظرفیت بالقوه‌ای را برای همگرایی فرهنگی فراهم آورند. در واقع،

جامعه ی جهانی امروز متأثر از اوضاع و مؤلفه‌های فرهنگی پدیده ی جهانی شدن، ماهیت و ساختاری فرهنگی یافته است و این امکان را به بازیگران دارای قدرت فرهنگی داده تا به ایفای نقشی گسترده در سطح جهانی بیندیشند و از رقابت‌های فرهنگی به مثابه حوزه ی جدید قدرت‌آفرینی در عرصه ی بین‌المللی سخن بگویند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۷).

بنابراین برای شناخت عناصر تعیین کننده ی هویت فرهنگی ایران، می‌بایست حوزه‌ای بس گسترده‌تر از قلمرو جغرافیایی ملی کنونی را در نظر آوریم؛ زیرا این هویت فرهنگی کهن بسیار پیش از تعیین مرزبندی‌های جغرافیایی رسمی کنونی ایران، شکل گرفت و در یک دوران چند هزار ساله، پهنه ی وسیعی از جهان را در بر گرفت. مفهوم ایران، برای ایرانیان، فراتر از واحدی سیاسی- اجتماعی، معنایی فرهنگی دارد. به زعم جراز دو گنولی- ایران‌شناس ایتالیایی- ایران با دو مفهوم «فکر» و «مفهوم سیاسی» قابل توضیح است:

«ایران به عنوان فکر در سراسر فلات قاره ی ایران پراکنده است و معانی متعددی نظیر بزرگی، نجابت، شرافت و اصالت را متبادر می‌سازد. همچنین ایران به عنوان یک مفهوم سیاسی، تاریخی طولانی را پشت سر گذاشته و در سه هزار سال گذشته مرزهای متعددی داشته است» (خان محمدی، ۱۳۸۸: ۷).

مجموعه ی عناصر هویت فرهنگی ایران طی یک تاریخ چند هزارساله و از خلال نسل‌های پی‌در پی و با پایمردی‌های بسیار تحوّل یافته و امروز به ما طرز فکر و رفتاری بخشیده است که به جای نفرت و واگرایی از دیگران، محبت و همدلی با آنها را نشان می‌دهد.

۲-۱. ویژگی‌های ایران فرهنگی

الف. برجسته بودن وجوه هویتی - تمدنی بر ابعاد دیگر موجب شده است که حوزه ی ایران فرهنگی از مانایی و تأثیرگذاری بیشتری برخوردار باشد. از آنجایی که نقش عوامل هویتی - فرهنگی دیرپا و دامنه‌دار است، می‌توان با سرمایه‌گذاری فکری در این حوزه به بازسازی و تحرک بخشی آن اقدام کرد.

ب. برخورداری از ظرفیت‌های متنوع، موجب شده است زمینه‌های همکاری و همگرایی در حوزه ی ایران فرهنگی بیش از هر حوزه ی دیگری باشد - عواملی نظیر زبان، دین مشترک، تاریخ مشترک، چهره‌های فرهنگی فرامرزی، شخصیت‌های تاریخی مشترک، آداب و رسوم مشترک، سطح توسعه ی نسبتاً یکسان، ... می‌تواند زمینه‌های همکاری و تعامل را متنوع و متکثر کند.

پ. قدمت و اصالت حوزه ی ایران فرهنگی موجب ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری فرهنگی در میان افراد و گروه‌های حاضر در این حوزه می‌شود و این ایده را قابل باور می‌سازد که می‌توان با

بهره‌گیری از میراث غنی فرهنگی - تمدنی حوزه به ترسیم الگوی هویتی - فرهنگی قدرتمندی مبادرت ورزید که یارای رویارویی با هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر را داشته باشد. ت. امتداد مرزهای فرهنگی - جغرافیایی در این منطقه، موجب شده است که شاهد یکپارچگی و تعامل مستمر کشورهای این حوزه با یکدیگر باشیم. احساس قدمت جغرافیایی و فرهنگی توانسته است ظرفیت گسترده‌ای را برای کشورهای این حوزه فراهم آورد و کمتر احساس بیگانگی در میان مردمان این کشورها نسبت به یکدیگر وجود داشته باشد (احساس تعلق به یک جغرافیایی فرهنگی مشترک). بنابراین وجود چنین ویژگی‌هایی سبب شده تا زمینه و بستر تحقق هویت مشترک و همگرایی فرهنگی در حوزه ی تمدنی ایران فراهم باشد. اما برای تحقق این امر نیاز به برنامه‌ریزی درازمدت در حوزه ی فرهنگی است. درواقع همان‌طور که گفته شد اشتراکات زیاد فرهنگی در حوزه ی تمدنی ایران وجود دارد ولی یکی از مهم‌ترین آنها که دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد بوده و می‌توان برای تحقق هویت مشترک و همگرایی در مورد آن اندیشید و برنامه‌هایی ارائه کرد، آیین نوروز است. در مبحث بعد تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه می‌توان از چنین ظرفیتی برای تحقق همگرایی فرهنگی در حوزه تمدنی ایران بهره جست؟

۲-۲. آیین نوروز به مثابه بستری برای همگرایی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران

آیین نوروز از جمله آیین‌هایی است که در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران برگزار می‌شود و می‌تواند به عنوان زمینه‌هایی برای تحقق همگرایی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران مورد توجه قرار گیرد. اگر از منظری سازه‌انگارانه به موضوع نگاه کنیم می‌توانیم با استفاده از گزاره‌های نظری سازه‌نگاری، چگونگی تحقق همگرایی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران را تحلیل کنیم، البته شایان ذکر است که تحقق این امر بسیار زمان‌بر و طولانی بوده و نیازمند همراهی و رضایت همه ی اعضا است. بنابراین اگر دو شرط گفته شده رعایت نشود نمی‌توان انتظار تحقق همگرایی فرهنگی و رسیدن به «ما»ی مشترک در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران داشت. هویت جمعی فقط در مقابل «دیگران» ساخته نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر دیگری «مای صریح»^۵ یا همان هنجارهای مشترک یک گروه یا در سطح وسیع‌تر، نهاد نیز به همان اندازه اهمیت دارد. بنابراین این هنجارها، اصول و مؤلفه‌های فرهنگی مشترک میان اعضای یک گروه (مثلاً حوزه ی تمدنی ایران) می‌توانند در درازمدت هویت و منافع اعضای آن نهاد یا گروه را بسازند. بنابراین، طبق دیدگاه سازه‌نگاری، سازمان‌ها و نهادها می‌توانند به‌واسطه ی همان هنجارها، اصول و قواعد، خود هویت مشترک اعضای

^۵Explicit We

خود را به وجود آورند و ظهور احساس این هویت مشترک و جمعی میان کشورهای عضو یک نهاد می‌تواند مؤلفه‌ای مهم در ترویج همکاری و همگرایی میان دولت‌های عضو آن تلقی شود. در واقع کنشگران از منظر سازه‌نگاری به شکل اجتماعی قوام می‌یابند و هویت‌های آنها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است. به بیان دیگر، شکل‌گیری هویت جمعی و به بیان دیگر همگرایی در میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که در صورت توجه به آنها و بالفعل کردن آنها می‌توان انتظار داشت که همگرایی میان آنها به‌خصوص در حوزه ی فرهنگی محقق شود. این مؤلفه‌های مشترک که می‌تواند به عنوان زمینه ی اولیه شکل‌گیری همگرایی میان آنها تلقی شود، عبارتند از: مؤلفه ی جغرافیا؛ خاطرات تاریخی مشترک یا برداشت‌های تاریخی مشترک؛ آیین‌ها و آداب و رسوم مشترک؛ مشاهیر و فرهیختگان؛ دین؛ و زبان و ادبیات.

نظر به اینکه بررسی هر کدام از این مؤلفه‌ها می‌تواند موضوع پژوهش جداگانه‌ای باشد و موضوع این مقاله بررسی آیین نوروز است، در این مقاله بر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آیین نوروز برای تحقق همگرایی فرهنگی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران تمرکز خواهد شد. در واقع نوروز از جمله آیین‌هایی است که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و آن را از دیگر جشن‌ها و آیین‌هایی که در عرصه ی بین‌المللی برگزار می‌شود، متمایز کرده است. این ویژگی‌های منحصر به فرد به شرح ذیل است:

- نوروز یک جشن محتوایی و معنوی است.
- نوروز جشنی واقعی بوده و با بهار طبیعت تنظیم شده است.
- مهم‌ترین هنجارهای مستتر در آن عدالت، بازگشت، پاکی، صلح، همدلی، صلح ی رحم، احترام به بزرگان است.
- بیش از چهارصد میلیون نفر در جهان جشن نوروز را برگزار می‌کنند و آن را گرامی می‌دارند.
- دارای آیین‌های خاص و منحصر به فرد است .

با توجه به وجود اشتراکات آیین نوروز در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، می‌توان با استفاده از رویکرد سازه‌نگارانه و با تمرکز بر دیپلماسی عمومی، پیشنهادهایی را ارائه داد که می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای تحقق همگرایی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران در بُعد فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. در واقع آیین نوروز می‌تواند مبنای تعاملات همکاری‌جویانه ی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران (به‌خصوص در حوزه ی فرهنگی) قرار گیرد و سبب شکل‌گیری هویت و به دنبال آن منافع مشترک میان آنها شود؛ زیرا این شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشترک فرهنگی می‌تواند مبنای فرآیند یادگیری اجتماعی پیچیده قرار گیرد و در این فرآیند، کشورهای حوزه ی تمدنی ایران از طریق تعامل همکاری‌جویانه ی فرهنگی با یکدیگر، منافع و ترجیح‌های جدیدی را کسب می‌کنند.

۲. راهکارهایی برای تقویت همگرایی فرهنگی در حوزه ی تمدنی ایران

قبل از اینکه این راهکارها ارائه شود، ذکر این نکته ضروری است که خوشبختانه برخی زمینه‌های جهانی و بین‌المللی برای گسترش این تعاملات همکاری‌جویانه در زمینه ی فرهنگی و به صورت مشخص در خصوص آیین نوروز صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

در تاریخ ۸ مهرماه ۱۳۸۸ شمسی، نوروز توسط یونسکو به عنوان میراث غیرملموس جهانی ثبت شد. این تقاضا به نام ۷ کشور دنیا در یونسکو به ثبت جهانی رسید. درخواست ثبت نوروز به عنوان میراث غیر ملموس جهانی، تقاضای مشترک کشورهای ایران، ترکیه، هند، آذربایجان، ازبکستان، قرقیزستان و پاکستان بود (WWW.UNESCO.Org).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم در نشست ۲۳ فوریه ی خود، ۲۱ ماه مارس (اَوّل فروردین) را به عنوان روز جهانی عید نوروز به رسمیت شناخت.

جشن ملی ثبت جهانی آیین نوروز در اسفند ماه ۱۳۸۸ در ایران (با حضور سفیران کشورهای حوزه ی نوروز) برگزار شد و بیانیه ی نوروز در تهران نیز در همین راستا به امضا رسید. تأسیس دبیرخانه ی جشن جهانی نوروز در جمهوری اسلامی ایران از دستاوردهای جشن جهانی نوروز ۱۳۸۹ بود و این دبیرخانه همزمان با نوروز ۱۳۹۰ در مجموعه فرهنگی- تاریخی سعدآباد افتتاح شد (خبرگزاری فارس، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۸/۱۵).

مراسم دومین جشن جهانی نوروز در روزهای ششم، هفتم و هشتم فروردین سال ۱۳۹۰ به میزبانی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. در این مراسم رؤسای جمهور، نخست وزیر و وزرای خارجی کشورهای فارسی‌زبان و کشورهای حوزه ی تمدنی ایران شرکت کردند (همشهری آنلاین، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۸/۱۵).

مراسم سومین جشن جهانی نوروز در نوروز ۱۳۹۱ با حضور رؤسای جمهور کشورهای فارسی زبان در تاجیکستان برگزار شد. در این مراسم، در میدان نوروزگاه شهر خجند نمایشگاه نوروزی برپا شد (خبر آنلاین، تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۸/۱۵).

اگرچه همان‌طور که گفته شد اقدامات قابل توجهی توسط نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان یونسکو صورت گرفته است، راهکارهایی هم به منظور ایجاد زمینه‌های مساعد برای شکل‌گیری هویت جمعی در میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران ارائه می‌شود که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

ایجاد یک سازمان یا اتحادیه در این خصوص (مثلاً با نام سازمان جهانی نوروز، سازمان بین‌المللی نوروز، اتحادیه ی بین‌المللی نوروز یا اتحادیه ی جهانی نوروز) به منظور تقویت همکاری کشورهای

عضو در این زمینه. در واقع مطالعه ی نمونه‌های عینی و موقّق همگرایی منطقه‌ای نشان می‌دهد که ایجاد یک نهاد و یا اتحادیه، نقش بسیار مهمّی در گسترش تعاملات، نشست‌ها، رایزنی‌های تخصصی و گفتگوهای هدفمند دارد. پژوهشگران سازه‌انگاری بر این نظرند که سازمان‌ها، نهادها و اتحادیه‌ها به عنوان بستری مناسب برای تعاملات میان اعضا محسوب می‌شوند و می‌توانند به عنوان ظرفیتی مناسب برای گسترش تعاملات همکاری‌جویانه ی اعضا به حساب آیند. چون زمینه‌ی بسیاری از همکاری‌ها، همین تعاملات اعضا در درون سازمان‌ها خواهد بود. شایان ذکر است که تلاش برای ایجاد اتحادیه نسبت به سازمان اولویت دارد، چون نمونه‌های موقّق همگرایی از قبیل اتحادیه ی اروپایی و یا آسه‌آن هم اتحادیه به حساب می‌آیند.

اگر اعضا بر سر ایجاد اتحادیه ی بین‌المللی نوروز به توافق برسند، بر اثر تعاملات، نشست‌ها، رایزنی‌ها و گفتگوهای میان اعضا در درون این اتحادیه، زمینه ی نهادینه شدن هنجارهای آیین نوروز از جمله صلح، عدالت، پاکی، صله ی رحم، بازگشت و همدلی فراهم می‌شود. در آیین نوروز نیز همان طور که بررسی شد، هنجارهایی مستتر است که برای همه ی اعضا مهم بوده و به آن هنجارها احترام می‌گذارند. بنابراین در صورتی که این اتحادیه در زمینه ی نوروز ایجاد شود، در اثر تعاملات، رایزنی‌ها، گفتگوها و نشست‌های اعضا در درون این اتحادیه می‌توان انتظار داشت که بسترهای مساعدی برای درونی شدن و نهادینه شدن این هنجارها در میان اعضا فراهم شده و زمینه ی شکل‌گیری هویت جمعی میان اعضا به وجود آید؛ بنابراین می‌توان در اتحادیه ی بین‌المللی نوروز نیز بر «راه نوروز»^۴ یا «هنجارهای نوروز» تأکید کرد و تلاش گسترده‌ای برای نهادینه کردن و درونی کردن این هنجارها که جنبه ی منحصربه‌فرد نیز دارند، فراهم کرد.

نکته ی دیگر این است که با استفاده از ابزار دیپلماسی عمومی، این تعاملات هم در سطح سیاستگذاران و هم در سطح عامّه ی مردم و جوامع صورت پذیرد و فقط محدود به سیاستگذاران نباشد؛ به تعبیر دیگر این تعاملات در تمامی سطوح دولتی و غیر دولتی انجام پذیرد. در واقع شکل‌گیری هویت جمعی و یا به تعبیر دیگر، همگرایی فرهنگی میان اعضای حوزه ی تمدّتی ایران، نیازمند توجه ویژه به سطح جوامع است زیرا همان‌طور که گفته شد، فرآیند همگرایی فرهنگی، فرآیندی زمان‌بر بوده و نیازمند تحقّق در تمامی سطوح است؛ چه بسا جوامع و مردم به خاطر اشتراکات فرهنگی، علاقه‌مندی بیشتری برای همگرایی با دیگر مردمان کشورهای حوزه ی تمدّتی ایران دارند و توجه به این سطح نیز از جمله پیش‌نیازهای تحقّق همگرایی میان کشورهای حوزه ی

^۴ Norouz Way

تمدنی ایران است. حتی خیلی از پژوهشگران همگرایی بر این نظرند که همگرایی، فرآیندی از پایین به بالا بوده و مردم و جوامع نقش مؤثری در تحقق آن دارند.

مؤلفه ی دیگر برای شکل‌گیری بسترهای مناسب جهت تحقق همگرایی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران و یا به تعبیر دیگر شکل‌گیری هویت جمعی میان آنها، برگزاری جشن‌های نوروز هر سال در یکی از کشورهای عضو اتحادیه و دعوت از نمایندگان بقیه ی اعضا برای شرکت در آن می‌باشد. خوشبختانه در سه سال گذشته، به‌رغم نبود یک اتحادیه در زمینه ی نوروز، این مورد انجام شده است. پس از ثبت جهانی نوروز به عنوان میراث غیر ملموس جهانی در سازمان یونسکو، جشن جهانی نوروز در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به میزبانی جمهوری اسلامی ایران در تهران برگزار شد و حتی در نوروز سال ۱۳۹۰ دبیرخانه ی جشن جهانی نوروز در تهران تأسیس شد. پیشنهاد می‌شود که این دبیرخانه به عنوان زمینه‌ای برای تأسیس دبیرخانه ی اتحادیه ی جهانی نوروز تلقی شود زیرا فعالیت‌های خوبی توسط آن صورت گرفته است و می‌تواند به عنوان تجربه‌ای به‌نسبت موفق در زمینه ی ایجاد اتحادیه ی جهانی نوروز تلقی شود.

راهکار پیشنهادی بعدی، تأکید بر آیین‌های مشترک نوروزی کشورهای عضو در جشن‌های سالیانه و نمایش آن از طریق فیلم‌ها، جشن‌ها، نمایشگاه‌ها برای کلیه ی مخاطبان، اعم از دولتی و غیردولتی است. درواقع از منظر سازه‌انگاری، توجه به اشتراکات از طریق این‌گونه تعاملات همکاری‌جویانه ی فرهنگی می‌تواند به عنوان زمینه‌ای مساعد برای شکل‌گیری هویت جمعی تلقی شود. خیلی از آیین‌های نوروزی در تمامی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران به صورت مشابهی برگزار می‌شود و تأکید بر این اشتراکات، به نمایش گذاشتن آنها در سطوح مختلف و در تمامی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران در ایام نوروز برای همه ی مردم به صورت یکسان و مشابه، می‌تواند به عنوان بستر و زمینه ی مساعدی برای شکل‌گیری همگرایی فرهنگی و هویت جمعی میان اعضا قلمداد شود.

پیشنهاد بعدی در قالب دیپلماسی رسانه‌ای، تولید فیلم‌هایی است که در آن فیلم‌ها بر این آیین مشترک و کهن سه هزارساله تأکید شود. بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که متأسفانه در زمینه ی اقدامات جدی و قابل توجهی از سوی مسئولان و متخصصان امر صورت نگرفته است. تولید فیلم‌های اثرگذار و قوی در این زمینه و ترجمه ی آن به زبان بقیه ی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران می‌تواند به عنوان یک اقدام مهم و اثرگذار قلمداد شود. زیرا یکی از راهکارهای معرفی این میراث کهن برای عامه ی مردم کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، پخش فیلم‌های تاریخی و مستند اثرگذار است که در آن به گستره ی جغرافیایی، ابعاد تاریخی و وجوه و اشتراکات فرهنگی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران توجه و اهتمام ویژه صورت گیرد. درواقع اگر این گزاره را بپذیریم

که تحقق همگرایی و هویت جمعی صرفاً در سطح دولتی انجام نمی‌شود و شکل‌گیری «ها»ی مشترک نیازمند سطح غیردولتی هم می‌باشد آن وقت می‌توانیم این گزاره را مطرح کنیم که یکی از ابزارهای مناسب برای تحقق این هویت جمعی، معرفی اشتراکات فرهنگی از طریق ساخت، نمایش و پخش فیلم‌های اثرگذار است.

راهکار بعدی که مبتنی بر دیپلماسی عمومی و به صورت خاص، دیپلماسی فرهنگی است، چاپ کتابها و نشریات تخصصی در زمینه ی نوروز در حوزه‌های (ادبیات، هنر، سیاست، فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، فلسفه و...) به زبان‌های مختلف است. علاوه بر تولید فیلم‌های تخصصی که در بند قبل به آن پرداخته شد، یکی دیگر از زمینه‌های شکل‌گیری هویت جمعی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، چاپ کتب و نشریات تخصصی در خصوص نوروز و پرداختن دقیق به آیین نوروز از جنبه‌های مختلف دینی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، فلسفی، مردم‌شناختی و تاریخی به زبان‌های مختلف است. پیشنهاد می‌شود که توجه و اهتمام ویژه‌ای به این مورد صورت پذیرد تا مردم، پژوهشگران و حتی سیاستمداران دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران که در کشور خودشان آیین نوروز را جشن می‌گیرند از این طریق و به صورت کاملاً علمی، مستند و مستدل در وهله ی اول با برگزاری آیین نوروز در دیگر کشورهای حوزه ی نوروز آشنا شوند و در ادامه هم اشتراکات آیین نوروز در کشور خودشان و دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران را دریابند. ایجاد تسهیلات برای شهروندان به منظور سفر به کشورهای حوزه ی نوروز و دیدن جشن‌ها و آیین‌های نوروزی از نزدیک، که در حوزه ی دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرد، راهکار پیشنهادی بعدی است؛ زیرا یکی دیگر از راهکارهای تحقق هویت جمعی در میان مردمان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، ایجاد تسهیلات ویژه در ایام نوروز برای شهروندان کشورهای عضو اتحادیه جهت سفر به دیگر کشورهای اتحادیه و شرکت در جشن‌ها و آیین‌های نوروزی است. پیشنهاد می‌شود بعد از شکل‌گیری اتحادیه ی جهانی نوروز، در این خصوص اهتمام ویژه‌ای صورت گیرد زیرا از این طریق شهروندان بقیه ی کشورها با نحوه ی برگزاری آیین نوروز در دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران و به صورت کاملاً مستقیم با اشتراکات برگزاری آیین نوروز در کشور خودشان و دیگر کشورها آشنا می‌شوند.

پیشنهاد دیگر، ایجاد شبکه ی رسانه‌ای نوروز در قالب دیپلماسی رسانه ای و معرفی آیین نوروز در همه ی کشورها از طریق این شبکه است. البته اجرایی شدن و یا نشدن این پیشنهاد متضمن کار پژوهشی جداگانه‌ای در زمینه ی امکان‌سنجی تأسیس این شبکه می‌باشد. درواقع ایجاد و تأسیس این شبکه توسط اتحادیه ی جهانی نوروز می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای تحقق همگرایی فرهنگی و هویت جمعی، مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا تأکید بر اشتراکات آیینی، نحوه ی اجرای آیین

نوروز در همه ی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران و تأکید بر هنجارهای مشترک نوروز از طریق پخش فیلم‌ها، نمایش‌ها، تئاترها، موسیقی، نماهنگ و ... می‌تواند در شناخت آیین نوروز در میان دیگر ملل و نهادینه شدن و درونی شدن هنجارهای مشترک، نقش قابل توجهی داشته باشد. البته مطالعه ی امکان‌سنجی تشکیل این شبکه خود نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است.

راهکار دیگر توجه به آیین نوروز و اشتراکات آن در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران در کتاب‌های درسی است. یکی از راه‌های ایجاد هویت جمعی، تأکید بر یادگیری اجتماعی پیچیده است و یکی از ابزارهای یادگیری اجتماعی پیچیده، آموزش از طریق کتب درسی است. پیشنهاد می‌شود در کتاب‌های درسی مرتبط با این آیین؛ مثل تاریخ، علوم اجتماعی، جغرافیا و ادبیات مقاطع مختلف تحصیلی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، بخشی به موضوع نوروز و برگزاری این آیین در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران اختصاص پیدا کند.

تأسیس شبکه ی تلویزیونی فرهنگ در قالب دیپلماسی رسانه‌ای هم می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحقق هویت جمعی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اقدامات مثبت صورت گرفته توسط سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در خصوص تأسیس و ایجاد شبکه‌های تخصصی؛ مثل شبکه‌های ورزش، پویا، سلامت، قرآن، و بازار پیشنهاد می‌شود شبکه‌ای تخصصی با عنوان فرهنگ تأسیس شود و یک بخش مهم از برنامه‌های این شبکه به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده به بررسی دقیق آیین نوروز و نحوه ی اجرای آن - چه در ایران و چه در دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران - اختصاص یابد. در ضمن اگر برنامه‌ها به زبان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران هم ترجمه شوند، تا شهروندان آنها نیز بتوانند از این برنامه‌ها استفاده کنند، زمینه‌های بیشتری برای تحقق هویت جمعی فراهم خواهد شد.

ترجمه ی آثار منتشر شده در زمینه ی نوروز به زبان‌های مختلف - به خصوص به زبان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران - راهکار دیگری برای تحقق هویت جمعی است. خوشبختانه از منظرهای مختلف، آیین نوروز مورد توجه قرار گرفته و آثار خوب و قابل توجهی هم در این زمینه چاپ و منتشر شده است. اگر این آثار به زبان‌های دیگر هم ترجمه شوند، زمینه ی استفاده از این آثار و آشنایی با آنها توسط شهروندان، پژوهشگران، محققان و استادان دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران که علاقه‌مند به پژوهش بر روی آیین نوروز هستند، فراهم می‌شود.

یکی دیگر از راهکارهای تحقق هویت جمعی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، حمایت از انجام و اجرای طرح‌های پژوهشی در کشورهای این حوزه و تلاش برای چاپ و نشر این آثار به زبان‌های مختلف می‌باشد. از این طریق محققان و پژوهشگران دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران با

فعالیت‌های پژوهشی صورت گرفته در خصوص آیین نوروز در دیگر کشورها آشنا می‌شوند و این خود می‌تواند به عنوان ابزاری مهم و زمینه‌ای قابل توجه در شکل‌گیری هویت جمعی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران تلقی شود.

تولید انیمیشن‌ها و نماهنگ‌های مختلف در زمینه ی آیین نوروز در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران و پخش آنها برای کودکان و نوجوانان نیز از دیگر راهکارهای تحقق هویت جمعی است؛ کودکان و نوجوانان از این طریق با نحوه ی اجرای آیین نوروز در دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران آشنا می‌شوند و با ذهن فعال و پویای خود به تجزیه و تحلیل دقیق این موضوع می‌پردازند. درواقع یکی دیگر از نمودهای یادگیری اجتماعی پیچیده، همین آموزش از طرق ساده مثل پخش فیلم‌ها و انیمیشن‌های داستانی است.

پیشنهاد بعدی، فعالیت گسترده‌تر دبیرخانه ی جشن جهانی نوروز می‌باشد. اگرچه اقدامات مثبت و قابل توجهی تاکنون توسط این دبیرخانه ی مستقر در تهران انجام شده است اما هنوز بسترها و قابلیت‌های بیشتری هم وجود دارد که می‌تواند مورد توجه این دبیرخانه قرار گیرد. خیلی از این پیشنهادهایی که در بندهای قبل مطرح شد، می‌تواند جهت اجرا در دستور کار دبیرخانه ی جشن جهانی نوروز قرار گیرد.

تأسیس یک کتابخانه ی دیجیتال در زمینه ی نوروز در دبیرخانه ی جشن جهانی نوروز از دیگر ابزارهای تحقق هویت جمعی است. از این طریق پژوهشگران کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، با صرف وقت و هزینه ی کمتر می‌تواند ضمن عضویت در این کتابخانه از منابع ارزشمند آن به منظور پژوهش بر روی ابعاد مختلف آیین نوروز در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران آشنا شده و استفاده کنند.

همان طور که قبلاً هم اشاره شد، راهکارهای مطرح شده می‌تواند به عنوان ابزار و زمینه‌ای برای شناخت بیشتر و نهادینه شدن آیین‌ها، آداب و رسوم، و هنجارهای مشترک در خصوص نوروز محسوب شود. البته پیشنهادهای ارائه شده با توجه به موضوع مقاله، فقط در خصوص آیین نوروز بوده و توجه به تمامی مؤلفه‌های فرهنگی مشترک میان کشورهای منطقه می‌تواند زمینه ی همگرایی بیشتر کشورهای منطقه را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از رویکرد سازه‌نگاری، راهکارهایی برای تحقق همگرایی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران با تأکید و تمرکز ویژه بر آیین نوروز ارائه شود. البته شایان

ذکر است که آیین نوروز یکی از مشترکات فرهنگی- اجتماعی در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران است و توجه به دیگر مشترکات ایران و دیگر کشورهای حوزه ی تمدنی ایران به منظور شکل‌گیری و تحقق هویت جمعی، می‌تواند موضوع پژوهش جداگانه‌ای باشد. با عنایت به این امر، در این مقاله راهکارهای متعددی در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی از قبیل ایجاد یک سازمان یا اتحادیه در این خصوص (مثلاً با نام سازمان جهانی نوروز، سازمان بین‌المللی نوروز، اتحادیه ی بین‌المللی نوروز یا اتحادیه ی جهانی نوروز)، تأسیس یک کتابخانه ی دیجیتال در زمینه ی نوروز در دبیرخانه ی جشن جهانی نوروز، تولید انیمیشن‌ها و نماهنگ‌های مختلف در زمینه ی آیین نوروز در کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، ایجاد شبکه ی رسانه‌ای نوروز، ترجمه ی آثار منتشر شده در زمینه ی نوروز به زبان‌های مختلف، به‌خصوص به زبان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران، ایجاد تسهیلات برای شهروندان به منظور سفر به کشورهای حوزه ی نوروز و دیدن جشن‌ها و آیین‌های نوروزی از نزدیک و... ارائه شد که توجه به آنها می‌تواند زمینه ی شکل‌گیری هویت جمعی و هم‌چنین همگرایی میان کشورهای حوزه ی تمدنی ایران را فراهم کند. البته همان‌طور که قبلاً هم گفته شد تحقق همگرایی، فرآیندی زمان‌بر بوده و نیازمند رضایت همه ی اعضا است. پس نباید انتظار تحقق آن را در کوتاه مدت و بدون رضایت همه ی کشورهای حوزه ی تمدنی ایران داشت. به تعبیر دیگر تحقق همگرایی با توجه به وجود برخی تفاوت‌ها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی می‌تواند دشوار باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. خان محمدی، کریم (۱۳۸۸)، «عناصر فرهنگی پایداری ایرانیان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دهم، شماره ۲.
۲. شعبانی، رضا (۱۳۷۸)، *آداب و رسوم نوروز*، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
۳. قاسمی، حاکم (۱۳۹۰)، «تأثیر نظام بین‌الملل بر واگرایی ملت‌ها در حوزه ایران فرهنگی» در *فرهنگ، هویت و تمدن از چشم‌انداز ایران فرهنگی*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۴. گورزی، حسین (۱۳۸۷)، *چکیده مقالات همایش بین‌المللی ایران فرهنگی*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۵. مصاحب، غلامحسین (۱۳۷۴)، *دایره‌المعارف فارسی*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۶. نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰)، «ایران فرهنگی، هویت و تمدن: ظرفیت‌سنجی معرفتی»، در *فرهنگ، هویت و تمدن از چشم‌انداز ایران فرهنگی*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
۷. نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰)، *فرهنگ، هویت و تمدن از چشم‌انداز ایران فرهنگی*، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.

ب) انگلیسی

1. Michael, Jaclyn (2003), *Celebrating Nowruz*, Harvard University: Center for the Middle Eastern Studies.

پ) منابع اینترنتی

۱. خبر آنلاین، (تاریخ مشاهده ۱۳۹۱/۸/۱۵)، قابل دسترسی در: www.khabaronline.ir
۲. خبرگزاری فارس، (تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۸/۱۵) قابل دسترسی در: www.farsnews.com
۳. سایت خبری تحلیلی تابناک، (تاریخ مراجعه ۱۹ مهر ۱۳۹۱). قابل دسترسی در: www.tabnak.ir
۴. همشهری آنلاین، (تاریخ مراجعه ۱۳۹۱/۸/۱۵) قابل دسترسی در: www.hamshahronline.ir